

روایت زوال استبداد و خودکامگی

معرفی کتاب « غرور و سقوط »

شناسه کتاب :

کتاب « غرور و سقوط » تالیف آنتونی پارسونز است که توسط آقای سید محمد صادق حسینی عسگرانی ترجمه و از طریق انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در زمستان سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. این کتاب ۲۲۵ صفحه ای مشتمل بر مقدمه و پیشگفتار مترجم، با مقدمه نویسنده شروع و در هفت فصل وقایع و حوادث ایران در فاصله زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ را از زبان نویسنده کتاب به رشته تحریر در آورده است.

چکیده :

بازخوانی تاریخ معاصر ایران، بخشی از سوابق ننگین انگلیس در ایران از جمله حمایت از حرکت های تجزیه طلبانه در نقاط مختلف کشور، تقویت فرقه های ضاله برای ایجاد تفرقه، تقویت حکومت های استبدادی در ایران، حمایت از دو کودتای ننگین ۳ اسفند ۱۳۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ... را برای خواننده تداعی می نماید. کتاب حاضر خاطرات «آنتونی پارسونز» سفیر انگلیس در ایران در زمان پیروزی انقلاب اسلامی است که به شرح حوادث آن دوره مهم (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷) می پردازد. نویسنده کتاب معتقد است که در این مدت بارها نگرانی و مخالفت خود را از سقوط شاه و وقوع انقلاب اسلامی ابراز نموده است.

فصل اول

در فصل اول این کتاب، آنتونی پارسونز در زمینه مأموریت خود به ایران مطالبی ارائه نموده است. پارسونز درباره شروع مأموریت خود در ایران می نوسد: « در پائیز سال ۱۹۷۲ میلادی که بحران خاورمیانه شدت یافته بود، هنگامی که در محل کارم در وزارت امور خارجه برای ملاقات با وزیر امور خارجه به دفتر او فرا خوانده شدم به صورت رسمی مسئولیت سفیری بریتانیا در ایران به من ابلاغ شد. با شنیدن این حکم هم خوشحال شدم و هم نگران. نگرانیم از این جهت بود که مأموریتم بیشتر در کشورهای عربی و ترکیه بوده و در ایران حضور فیزیکی نداشتم و اطلاعاتم بیشتر غیر مستقیم بود. در مجموع با توجه به موقعیت خاص ایران و برای حفظ منافع دولت بریتانیای کبیر از اعزام به این مأموریت استقبال کردم.»

فصل دوم

در فصل دوم، آنتونی پارسونز برداشت های خود از وضعیت ایران را به رشته تحریر درمی آورد. پارسونز معتقد است که: الف) سیاست های شاه برای مردم ایران آسایش و خوشبختی به همراه نداشته است. به عنوان نمونه تهران پایتخت ایران که به طور شگفت انگیزی در پای رشته کوههای البرز و قله های پوشیده از برف واقع شده است، در سال ۱۹۷۴ میلادی یادبودی از بدترین مظاهر تمدن جدید به شمار می رفت.

ب) یورش به سوی آنچه که « تمدن بزرگ » خوانده می شد، جای آرامش و تأنی فرهنگ اسلامی را گرفته بود.

- پ) تصور ایدئالیستی شاه از برای آینده ایران که فکر می کرد در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، ایران به عنوان کشوری کاملاً صنعتی و پیشرفته و یا به عبارتی ژاپن دوم آسیا تبدیل خواهد شد.
- ت) ایرانیان از نظر شاه آریایی بودند نه سامی. شاه معتقد بود که استعدادها و قابلیت های ایرانیان با حمله مسلمان عرب به ایران خاموش گشته و او می خواهد با برداشتن این سرپوش از روی قوم ایران، شکوه و عظمت قبل را به ایران برگرداند و در واقع مدل زندگی غربی را در ایران احیا نماید.
- ث) افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها و به وجود آمدن حلبی آبادها و ...
- ج) افزایش قیمت نفت برای ایران در سال ۱۹۷۴ که باعث شد شاه به طور غیر معقول و نامناسبی بسیاری از پروژه های مورد نظرش را تکمیل نماید.
- چ) شاه در میان ثروتمندان تازه به دوران رسیده، طبقه متوسط و کارگران صنعتی طرفدارانی داشت؛ ولی اکثریت دانشجویان و طبقات مذهبی مخالف او بودند.
- ح) شاه در تحقق بخشیدن به رویاهای خود عجول بود و نمی توانست اظهار نظر مردم را بشنود و ترتیب اثر دهد.
- د) در نیمه نخست سال ۱۹۷۵ دوازده قتل سیاسی در ایران اتفاق افتاد که در میان آن ها دو افسر آمریکایی و یک نفر از اعضای سفارت آمریکا به چشم می خورد.
- د) به وقوع پیوستن يك رشته تظاهرات و اعتصابات در بعضی از دانشگاه ها از جمله دانشگاه تهران، شیراز، تبریز و اهواز
- ر) شاه در مارس ۱۹۷۵ به صورتی مستبدانه تصمیم گرفت نظام چند حزبی را منسوخ و به جای آن، يك نظام تك حزبی با عنوان «تجدید حیات ملی» یا حزب رستاخیز را احیاء نماید.

فصل سوم

فصل سوم کتاب به بررسی عوامل موثر در تصمیم گیری های شاه از جمله دربار، خانواده سلطنتی، دولت مرکزی، نیروهای مسلح، ساواک، پلیس و بعضی از خصوصیات خاص مشارالیه اختصاص یافته است. نویسنده معتقد است که هر يك از این نهادها مستقیماً با شاه در تماس بوده و گزارش کار می دادند. پارسونز معتقد است که رفتار محمدرضا شاه در مقابل مصاحبه گران تلویزیونهای غربی تند، گستاخانه، معلم منش بود؛ ولی سخنرانی او برای مردم ایران یکنواخت، بی روح و کسل کننده بود. او به نحوی فزاینده به آمریکا و اروپای غربی متکی بود. دربار سلطنتی از تماس مستقیم شاه با مردم جلوگیری می کرد و از طرفی تدابیر امنیتی شدید باعث شده بود که شاه بیشتر در انزوا قرار گیرد؛ حتی در آیین های عمومی و همگانی با جداری از شیشه ضد گلوله از مردم جدا می شد. نویسنده فرح را مکمل خوبی برای شاه دانسته و معتقد است که هر جا شاه ترس و وحشت القا می کرد؛ او محبت و عاطفه ای می آفرید. زنی زیبا، باهوش، هنرمند، دلسوز و غمخوار که اعتقاد عمومی بر این بود که او جز معدود افرادی است که می توانسته آنچه را در ذهن دارد مستقیماً به شاه بگوید. ضمناً در مواجهه با مردم فردی خوش برخوردتر، اجتماعی تر و حساس تر بود و از غل و زنجیرهای سازمان های امنیتی و اداری متنفر بوده و هرکجا که توانسته این قیود را از بین برده است. پارسونز بعد از فرح پهلوی، قدرتمند ترین فرد ایران را اسد الله علم وزیر دربار را نام برده و شجره نامه آن را به سلسله مستقل طاهریان در قرن دهم متصل می داند. علم دوست نزدیک و محرم اسرار محمدرضا بوده و سمت هایی مثل نخست وزیر ایران در زمان شورش بازار در سال ۱۹۶۳ داشته که شخصاً به سربازان دستور تیراندازی به

سوی مردم را صادر کرده و در این زمینه بعد ها می گوید من چاره ای جز این کار نداشتم چون محمدرضا خیلی رقیق القلب بود و از خونریزی خوشش نمی آمد. به اعتقاد نویسنده از میان خانواده سلطنتی، خواهران و برادران شاه در حوزه هایی که به دربار مربوط می شد، از موقعیت برتری برخوردار بودند. از جمله اشرف خواهر دو قلو شاه و شاهزاده شمس خواهر ارشد شاه.

فصل چهارم

فصل چهارم کتاب، نظرات سفیر بریتانیا در مورد تعداد متخصصین و شاغلین در سفارتخانه ایران و پراکندگی نمایندگی های مختلف بریتانیا با عناوین گوناگون در نقاط مختلف ایران را به رشته تحریر درآورده است و اظهار نموده که به خاطر این پراکندگی ها بریتانیا فرصت و بهانه کافی برای دید و بازدید نقاط مختلف ایران را داشته و از آن فرصت به خوبی استفاده نموده است.

فصل پنجم

فصل پنجم حوادث و اتفاقات سال های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ (۱۳۵۶-۱۳۵۵) را مورد بررسی قرار داده است و خود محوری ها، ندانم کاری ها و بی اعتنایی به نظرات مردم و اشتباهات استراتژیک شاه از جمله برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله حکومت پهلوی در شیراز و رفتن او به آمریکا و ورود کارتر رئیس جمهور آمریکا به ایران را از عوامل سقوط رژیم دانسته است.

فصل ششم

فصل ششم حوادث ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ کند و کاو نموده است. به اعتقاد نویسنده چند روز بعد از عزیمت کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا از ایران، دولت ناخواسته فتیله باروتی را که به انفجاری بزرگ منجر شد روشن نمود، بدین ترتیب که برای خنثی نمودن تاثیرات مثبت و کارساز نوارهای سخنرانی حضرت امام خمینی(ره)، رژیم در صدد برآمد که با درج مقاله ای توهین آمیز در روزنامه اطلاعات نسبت به امام توهین نموده و از اعتبار او بکاهد.

فصل هفتم

در فصل هفتم نویسنده نگاهی به گذشته انداخته و می نویسد: «انقلاب ایران حادثه ای است که می توان آن را بزرگتر از انقلاب های فرانسه و روسیه دانست و باید اظهار داشت که انقلاب ایران فروپاشی کامل یک نظام استبدادی، قوی، متمرکز و مورد حمایت غرب و آمریکا بود، که در ویرانه های آن ایرانی کاملا متفاوت سربرآورد، ایرانی که از یک متحد استراتژیک به دشمن استراتژیک تبدیل شد.» نویسنده معتقد است که در نتیجه سیاست فضای بازی که محمد رضا شاه در کشور اجرا نمود، باعث شد که مخالفان رژیم (روحانیون، روشنفکران و بازاری ها) صدای خفته و خاموش خود را به گوش مردم برسانند و با ایجاد وحدت و همسویی، در به زانو در آوردن رژیم موفق شوند.

برشهایی از کتاب
در صفحه ۳۴ کتاب می خوانیم :
« همه ما از کوتاهی دوران رونق اقتصادی در ایران شگفت زده شدیم. اواسط سال ۱۹۷۵ بود که ایران با کسری بودجه
ای در حدود دو میلیارد دلار مواجه شد.»

در صفحه ۱۱۶ آورده است :
رهبری مذهبی در اهداف و آرمان ها متحد نبود {امام} خمینی خواستار سرنگونی شاه بود ولی شریعتمداری و دیگر
آیت‌الله‌های قم و مشهد بر استقرار مجدد قانون اساسی سال ۱۹۰۶ و محدود سازی قدرت شاه تأکید داشته‌اند،
ملاهای تهران هم { به یکی از این دو طرز تفکر متمایل شده و { تقسیم شده بودند.